

## تصمیمات قضائی

۱ = جزائی

حکم شماره  $\frac{۳۹۷۰}{۱۳۳۲/۱۰/۲۶}$  دیوانعالی کشور

راجع بضرر منتهی بسقط جنین موضوع قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون کیفر عمومی

شخصی ۲۸ ساله باتهام ارتکاب ضرب منتهی بسقط جنین بر اثر شکایت شاکی تحت تعقیب واقع شده و سرانجام قضیه در دادگاه جنائی مطرح گردیده است دادگاه پس از انجام مقدمات رسیدگی و تعیین جلسه رأی داده است باینکه مسلم است متهم بدون اینکه قصد سقط جنین عیال خود را داشته باشد او را کتک زده و پزشک معالج مدت معالجه را کمتر از بیست روز تعیین کرده است و عمل را منطبق بر قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی دانسته متهم را سه ماه حبس تأدیبی و پرداخت یکهزار ریال هزینه دادرسی محکوم نموده است. پس از اعلام رأی متهم فرجام خواسته و پرونده بشعبه ۸ دیوان کشور ارجاع گردیده است هیئت شعبه پس از قرائت اوراق مربوط پرونده و ملاحظه گزارش دادیار دیوان کشور مبنی بر نقض حکم مشاوره نموده چنین رأی میدهند:

« هر چند بزهی که بموجب قرار بازپرس و کیفرخواست فرجام خواه بر ارتکاب آن متهم بوده از مواردی نبوده است که گذشت شاکی خصوصی در عدم تعقیب آن مؤثر باشد ولی چون نتیجه دیوان جنائی عمل انسانی را با ذیل ماده ۱۳۷ تطبیق نموده و در این قبیل موارد باید قبلاً دستور ماده ۶۶ قانون اصول محاکمات جزائی اجرا شده باشد و بالجمله در اتهامی که گذشت شاکی خصوصی مؤثر در عدم تعقیب میباشد تکلیف سازش نشده بنا بر این حکم فرجام خواسته بدستور ماده ۴۴۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض و برای اقدام و صدور دستور شایسته بشعبه دیگر دیوان جنائی ارجاع میشود. »

۲ = حقوقی ( اصول محاکمات )

حکم شماره  $\frac{۱۲۷۸}{۳۳/۶/۲۹}$  دیوانعالی کشور

راجع بمرور زمان موضوع ماده ۷۴۳ آئین دادرسی مدنی  
شخصی دادخواستی علیه دو نفر دیگر بدادگاه شهرستان تقدیم و چنین توضیح

## تصمیمات قضایی

داده است که خواندگان زارع املاک وی میباشند و بالغ بر مدت ۱۷ سال است از تأدیة بهره مالکانه خودداری نموده‌اند و تقاضای صدور حکم بضمیمه خسارات قانونی نموده است. مدرك را پرونده‌های ثبتی و اظهارنامه قرار داده و ضمناً تقاضای کارشناس فنی و بازرجویی از مطلعین را نموده است.

خواندگان در اولین لایحه با تکذیب دعوی خواهان ادعای مرور زمان نموده و در جلسات رسیدگی هم این ایراد را تعقیب و بالاخره دادگاه مزبور از نقطه نظر اینکه دادخواست در ۲۸/۷/۳ تقدیم و مطالبه عوائد هفده ساله شده با توجه بمدلول ماده ۷۴۳ آئین دادرسی مدنی قرار شمول مرور زمان را صادر نموده است. پس از ابلاغ قرار وکیل خواهان درخواست رسیدگی پژوهشی نموده و اعتراض کرده است که صدور قرار بحکم مواد ۱۱۱ و ۲۰۷ آئین دادرسی مدنی موقعیت قانونی نداشته و دادگاه شهرستان در تطبیق موضوع با ماده مربوط اشتباه کرده است زیرا دعوی موکل را از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۶ مشمول ماده ۷۴۳ دانسته در صورتی که موضوع بحث ارتباطی با مدلول ماده استنادیه نداشته زیرا اقساطی در بین نبوده است.

دادگاه استان اعتراض را غیر وارد دانسته و قرار بدوی را استوار نموده است که وکیل خواهان از آن فرجام خواسته و اعتراض کرده است که ایراد مرور زمان از طرف خواندگان خارج از مدت قانونی شده و قابل قبول نیست مضافاً موکل بهره مالکانه را بوسیله اظهارنامه رسمی از فرجام خواندگان مطالبه نموده و مطابق شق یک از ماده ۲۶۱ آئین دادرسی مدنی مرور زمان قطع گردیده است. رسیدگی بشعبه چهار دیوانعالی کشور ارجاع گردیده.

هیئت شعبه مزبور پس از ملاحظه نظریه کتبی دادیار دیوان کشور که مبنی بر استواری قسمتی و شکستن قسمت دیگر بوده مشاوره نموده چنین رأی داده اند:

« قرار فرجامخواسته نسبت با جور پنجسال از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ چون خالی از اشکال است استوار میشود و نسبت بمحصول سال ۱۳۱۶ چون فرجامخواه در سال ۱۳۱۸ بوسیله اظهارنامه محصول گذشته را از خواندگان مطالبه کرده و در تاریخ ۲۸/۷/۳ اقامه دعوی نموده و منجزاً معلوم نشده که استحقاق مطالبه نسبت بمحصول سنه مزبور در چه ماه از سال بوده و اثناء آن در چه ماه از سال ۱۳۲۸ تا با تطبیق آن با تاریخ تقدیم دادخواست شمول یا عدم شمول مرور زمان محرز گردد رسیدگی در این قسمت از دعوی ناقص است. بنا بمراتب فوق قرار فرجامخواسته شکسته میشود و رسیدگی مجدد بهمان دادگاه صادرکننده قرار رجوع میشود. »

## تصمیمات قضایی

### ۳ - جزائی

حکم شماره  $\frac{۲۹۶۹}{۳۲/۱۱/۱۲}$  دیوان عالی کشور

راجع بسرقت و تهدید موضوع مواد ۲۲۶ و ۲۲۹ و ۲۳۵ قانون مجازات عمومی و ماده ۴ الحاقی و ماده ۲۵ اصلاحی .

جوانی ۲۶ ساله با اتهام سرقت و تهدید مورد تعقیب دادستان شهرستان قرار گرفته و بر علیه او باستناد مواد ۲۲۶ و ۲۲۹ و ۲۳۵ قانون مجازات عمومی با رعایت ماده ۲ الحاقی و ۲۵ اصلاحی از نظر اینکه متهم سه فقره محکومیت جزائی داشته تقاضای تعیین کیفر او از دادگاه پنجه او شده است . دادگاه مزبور رسیدگی و بموجب حکم خود متهم را از اتهام دو فقره سرقت و تهدید تبرئه و از لحاظ شروع بسرقت جرمش را معزز دانسته و با انطباق عمل بماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی و شق ۳ از ماده ۲۵ قانون مزبور از لحاظ داشتن سه فقره محکومیت قطعی با رعایت ماده ۴۴ ویرا بدو سال حبس تأدیبی و یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم مینماید و نیز مقرر میدارد که نسبت به تعلیق مجازات قبلی متهم مجازاتی که از آن معاف شده درباره او اجرا نمایند .

محکوم علیه تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده است موضوع در دادگاه استان مورد رسیدگی قرار گرفته در موضوعاتی که متهم تبرئه شده حکم را استوار و راجع بمحکومیت متهم که شروع بسرقت بوده با فسخ حکم راجع باینکه رعایت قسمت اخیر بند ۳ از ماده ۲۵ بعمل نیامده متهم را باستناد ماده ۲۲۹ قانون مجازات عمومی و رعایت بند ۲ از ماده اصلاحی و ماده ۴۴ بدو سال حبس تأدیبی و تأدیه یک هزار ریال هزینه دادرسی و توقف اجباری محکوم نموده است از این حکم محکوم علیه فرجام خواسته و پرونده برای رسیدگی بشعبه ۸ دیوان کشور ارجاع شده است .

هیئت شعبه مزبور پس از قرائت اوراق مربوط پرونده و ملاحظه نظریه دادیار دادسرای دیوان کشور که مبنی بر نقض بوده مشاوره نموده چنین رأی میدهند :

« چون دادگاه جنحه فرجامخواه را بتوقف اجباری محکوم نموده و از حکم مزبور نیز دادستان پژوهشی نخواسته است شکستن حکم پژوهشی خواسته ( از طرف متهم ) و محکوم نمودن او بهمان مجازات باضافه حکم بتوقف اجباری مخالف ماده ۴۴۸ قانون اصول محاکمات جزائی بوده و چون حکم فرجامخواسته از این جهت مخدوش است بدستور ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان ارجاع میشود . »

حکم شماره  $\frac{۱۲۷۵}{۳۳/۶/۲۹}$  دیوانعالی کشور

### راجع بتصرف عدوانی موضوع مواد ۳۲۳ آئین دادرسی مدنی و ۱۱۸ قانون مدنی

شخصی علیه همسایه خود بعنوان تصرف عدوانی اقامه دعوی کرده باین توضیح که خوانده در دیوار مشترک پنجره بطرف زمین وی باز کرده است . دادگاه از باب اینکه دعوی خواهان بعنوان تصرف عدوانی قابل طرح نیست مستند بماده ۳۲۳ آئین دادرسی مدنی دعوی خواهان را رد کرده است . محکوم علیه بتقدیم دادخواست و اخواهی مبادرت نموده و خلاصه اظهار وی این است که دیوار فاصل مشترک است و در معاینه محل هم معلوم گردیده که خواهان بزمین او روزه باز نموده . دادگاه بخش با مراجعه که اعتراض موجبی نشده است حکم را استوار نمود . خواهان تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده و دادگاه شهرستان پس از رسیدگی چنین رأی داده است : با توجه بدادخواست پژوهشی و لایحه تقدیمی وکیل پژوهشخواه ایراد و اعتراض قابل توجهی باینکه بتوان دعوی مزبور را بعنوان دعوی تصرف عدوانی تلقی نمود بعمل نیامده دعوی مطروحه انطباقی با دعوی تصرف عدوانی نداشته لیکن اینکه دادگاه باستناد ماده ۳۲۳ آئین دادرسی مدنی دعوی را بعنوان تصرف عدوانی قابل طرح ندانسته و سپس خواهان را محکوم به بیحقی نموده صحیح بنظر نمی رسد و با کسبختن دادنامه صادره چون دعوی مزبور اساساً بعنوان تصرف عدوانی قابل استماع نبود حکم برد دعوی خواهان صادر و اعلام کرده است که خواهان از آن فرجام خواسته است .

شعبه چهار دیوانعالی کشور ، که پرونده مزبور برای رسیدگی بان ارجاع گردیده بود ، پس از طرح و خواندن پرونده و ملاحظه نظریه کتبی دادیار دیوان کشور که بنی بر شکستن بود مشاوری نموده چنین رأی میدهد :

« قرار رد دعوی فرجامخواه باین استدلال که دعوی او اساساً بعنوان تصرف عدوانی قابل استماع نیست صحیح نمیباشد زیرا در صورتیکه دیوار بطوریکه ادعا شده مشترک باشد هیچیک از دو شریک طبق ماده ۱۱۸ قانون مدنی نمیتواند بدون اذن شریک دیگر در دیوار مشترک تصرف نماید و بدون اذن تصرف او عدوانی خواهد بود و بدین لحاظ قرار فرجام خواسته شکسته میشود و رسیدگی مجدد بهمان دادگاه صادر کننده قرار رجوع میشود . »

حکم شماره  $\frac{۲۹۹۲}{۳۲/۱۱/۲۵}$  دیوانعالی کشور

راجع بسرقت موضوع ماده ۲۶۶ و شق اخیر بند ۳ از ماده ۲۵ اصلاحی  
قانون کیفر عمومی

شخصی باتهام ارتکاب دزدی تحت تعقیب دادسرا قرار گرفته و پس از انجام بازجویی کیفر خواست تنظیم و بدادگاه جنحه تقدیم گردیده دادگاه نامبرده با انجام تشریفات قانونی دادرسی را انجام داده و با تشخیص بزهکاری متهم مشارالیه را باستناد ماده ۲۲۶ و شق اخیر بند ۳ از ماده ۲۵ اصلاحی قانون کیفر عمومی بلحاظ داشتن سه فقره پیشینه محکومیت مؤثر سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم نموده است. متهم از حکم مزبور تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده شعبه دادگاه استان حکم پژوهشخواسته را استوار کرده است. محکوم علیه از این حکم فرجام خواسته و رسیدگی بشعبه نهم دیوانکشور ارجاع گردیده.

هیئت شعبه پس از ملاحظه پرونده و کسب نظر دادیار دادسرای دیوانکشور مبنی بر نقض از جهت حکم مسلم نبودن سابقه محکومیت قطعی متهم مشاوره و بانفاق رأی میدهد:

« بر حکم فرجامخواسته این اشکال وارد است که دادگاه برای متهم سه سابقه محکومیت مؤثر قائل شده است در صورتیکه بموجب نامه دایره زندان یک سابقه محکومیت ۵ ماه حبس متهم قطعی و اجراء شده و نسبت ببقیه محکومیت‌های مشارالیه دایره زندان قطعیت آنها را تصدیق نکرده و پرونده‌های مربوط بسوابق متهم نیز حاکی از قطعیت احکام محکومیت مشارالیه نیست. بنابراین حکم فرجامخواسته بر طبق ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان ارجاع میشود. »